

Typology of Mahdavi Narrations Before the Occurrence of the Occultation in the Hadith School of Qom Until the Early Period of Shaykh Saduq¹



Moslem Kamyab¹ 

Rahim karegar² 

1. Assistant Professor, Department of Current Studies, Research Center for Mahdism and Futurology, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran (Corresponding author).
m.kamyab@isca.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Mahdism and Future Studies, Research Center for Mahdism and Futurology, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran.
r.karegar@isca.ac.ir

Abstract

The Hadith School of Qom, as one of the prominent schools of the Imamiyya, has long been a subject of interest and careful examination by scholars. Research on Mahdavi studies in this school faces some deficiencies. The lack of a "school-centered" perspective and the "failure to examine important narrational types" in Mahdavi hadiths are among these shortcomings. A precise examination of these types could provide a clearer picture of the Mahdavi narrations of this school, which would, in turn, lead to deeper content analysis in further research. Therefore, this paper adopts a descriptive-analytical approach, utilizing 358 narrations from the Hadith School of Qom to categorize the narrations of this school. The results of this examination highlight characteristics such as the

-
1. Kamyab, M. & karegar, R. (2024). Typology of Mahdavi Narrations Before the Occurrence of the Occultation in the Hadith School of Qom Until the Early Period of Shaykh Saduq. *Mahdavi Society*, 5(10), 59-90.

<https://doi.org/10.22081/JM.2025.71038.1106>

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 2025/02/07 • **Revised:** 2025/03/15 • **Accepted:** 2025/04/19 • **Published online:** 2025/05/07

genealogy of the Imam, methods of introducing Imam Mahdi, his birth, name, attributes, residence, the status of Imam Mahdi, and the issue of occultation and waiting. The existence of decrees in this school is notably abundant, while Mahdavi prayers, in comparison to other teachings, have a diminishing trend.

Keywords

Mahdism (Mahdaviat), Mahdavi Narrations, Typology, Hadith School of Qom.

گونه‌شناسی روایات مهدوی قبل از ظهور در مدرسه حدیثی

قم تا ابتدای دوران شیخ صدوق*

مسلم کامیاب^۱ ID رحیم کارگر^۲ ID

۱. استادیار، گروه جریان‌شناسی، پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم، ایران (نویسنده مسئول).

m.kamyab@isca.ac.ir

۲. استادیار، گروه مهدویت و آینده‌پژوهی، پژوهشکده مهدویت و آینده‌پژوهی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ قم، ایران.

r.karegar@isca.ac.ir

چکیده

مدرسه حدیثی قم، به‌عنوان یکی از مدارس پر قدرت امامیه، از دیرباز مورد اهتمام و دقت اندیشوران بوده است. کاوش‌ها در زمینه مهدویت در این مدرسه، با کاستی‌هایی مواجه است. فقدان نگاه «مدرسه محور» و «عدم بررسی گونه‌های مهم روایی» در این مدرسه به احادیث مهدوی، ازجمله این کاستی‌هاست. بررسی دقیق گونه‌ها به عرضه تصویری روش از نوع روایات مهدوی این مدرسه می‌تواند کمک کند و در پی آن به تحلیل‌های محتوایی روایات در پژوهش‌های دیگر دست یافت؛ ازاین‌رو نوشتار پیش‌رو با روش توصیفی - تحلیلی با بهره‌گیری از ۳۵۸ روایت از روایات مدرسه حدیثی قم، به گونه‌شناسی روایات این مدرسه پرداخته است. از نتایج این بررسی به ویژگی‌های شخصی امام مانند تبارشناسی، شیوه‌های معرفی امام مهدی (عج)، تولد، نام و اوصاف امام، سکونت امام، مقام امام مهدی (عج) و مسئله غیبت و انتظار می‌توان اشاره کرد. وجود توقیعات در این مدرسه با فراوانی بسیار روبرو است و در کنار آن ادعیه مهدوی در مقایسه با دیگر آموزه‌ها با فرو کاهشی روبرو است.

کلیدواژه‌ها

مهدویت، روایات مهدوی، گونه‌شناسی، مدرسه حدیثی قم.

* **استناد به این مقاله:** کامیاب، مسلم؛ کارگر، رحیم. (۱۴۰۳). گونه‌شناسی روایات مهدوی قبل از ظهور در مدرسه حدیثی قم تا ابتدای دوران شیخ صدوق. جامعه مهدوی، ۵ (۱۰)، صص ۵۹-۹۰.

<https://doi.org/10.22081/JM.2025.71038.1106>

□ نوع مقاله: علمی - ترویجی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۹ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۱/۲۵ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۳۰ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۲/۱۷

مقدمه

روایات مهدویت، به دلیل گستردگی مباحث، دارای تنوع موضوعی فراوانی است که می‌توان ادعا کرد در حوزه مباحث حدیثی، کمترین موضوعی با ریشه کلامی و مسئله امامت تا این حد گسترده باشد؛ چه آنکه از دوران قبل از تولد امام مهدی علیه السلام، مباحث آن آغاز شده تا دوران بعد از ظهور و منتهی به قیامت نقل شده است. این تنوع بسته به نوع مدارس حدیثی، شرایط حاکم بر دوران، رویکردهای محدثان یک مدرسه و علل دیگر دچار فراز و فرود، کثرت یا تقلیل در نقل بوده‌اند. به‌طور طبیعی مدرسه حدیثی قم به‌عنوان یکی از آن مدارس، پس از دوران انتقال میراث کوفه به آن سامان، از این قاعده مستثنا نبوده و در نحوه نقل و ثبت دارای تنوع است؛ بر همین اساس پرداختن به سنخ موضوع‌های مورد توجه این مدرسه، در طول دوران فعالیت خود می‌تواند به‌عنوان سوال اصلی این نوشتار طرح شود که به دنبال آن، دورنمایی از احادیث مهم و قابل توجه این مدرسه و سرانجام عرضه تصویری روشن از مدرسه قم به دنبال خواهد داشت. این امر با گونه‌شناسی که کار آن تقسیم‌بندی، تنظیم و طبقه‌بندی داده‌ها است، صورت می‌گیرد. بدیهی است در پی شناساندن این گونه‌ها، می‌توان موضوعات دیگری مانند: تحلیل محتوایی، تمایزات و اشتراکات این مدرسه را پی‌گیری کرد.

در این نگارش ۳۵۸ روایت که گواه بر وجود آنان در مدرسه قم و گفتمان آنان است از منابع استخراج شده است. در انتخاب منابع از دو نوع منابع اصلی و واسطه‌ای استفاده شده است. منابع اصلی منابعی است که از ابتدای پیدایش مدرسه قم تا قبل از دوران صدوق به صورت مکتوب توسط قمی‌ها نگارش شده و الان موجود است که عبارتند از: محاسن احمد بن محمد بن خالد برقی، بصائر الدرجات محمد بن حسن صفار، تفسیر علی بن ابراهیم قمی، قرب الاسناد عبدالله بن جعفر حمیری، الکافی محمد بن یعقوب کلینی، الامامه و التبصره ابن بابویه قمی، کامل الزیارات ابن قولویه.

اما منابع واسطه‌ای منابعی است که یا از دوران صدوق به بعد بوده یا از مدارس

پیشینه‌شناسی

در زمینه گونه‌های روایی مهدویت در مدرسه حدیثی قم، پژوهش مستقلی صورت نگرفته است؛ اما برخی آثار مرتبط با این موضوع به سامان رسیده است. استاد سیدمحمد کاظم طباطبایی در کتاب تاریخ حدیث شیعه (۲) به ویژگی‌های کلی مدرسه قم مانند: میراث داری، نص‌گرایی و پرهیز از عقل‌گرایی اشاره کرده‌اند اما مستنداتی از مهدویت ارائه نشده است (طباطبایی، ۱۳۸۹). نوشته دیگر، مکتب حدیثی قم (شناخت و تحلیل مکتب حدیثی قم از آغاز تا قرن پنجم هجری) نوشته محمدرضا جباری است. وی در این کتاب به جایگاه و اهمیت قم و امتیازات قمیان و مکتب حدیثی قم پرداخته است. از نتایج تلاش ایشان ضمن معرفی وضعیت محدثان قم، به اثبات مرجعیت علمی حوزه قم اشاره دارد. در ادامه به اثبات حساسیت شدید محدثان قم در قلمرو حدیث و مخالفت آنان با نقل اخبار ضعیف و غلوآمیز، پرداخته است (جباری، ۱۳۸۴).

کتاب «جستارهایی در مدرسه کلامی قم» زیر نظر محمد تقی سبحانی حاوی مجموعه مقالاتی است که در آن به شناساندن برخی از شخصیت‌های حدیثی قم مانند عبدالله بن

حدیثی دیگر اقتباس شده است. احادیث این منابع با معیارهایی مانند قمی بودن مولف کتاب، وجود مولف مشهور قمی در اسناد، تکرار صاحب مصدر قمی در اسناد متوالی، تعلیق سند و شروع آن به مصنف مشهور، شمارش شده است (تفصیل آن رک: کامیاب، ۱۴۰۰، صص ۱۸-۲۵). این منابع شامل: کتاب الغیبه نعمانی، آثار شیخ صدوق (کمال‌الدین، من لایحضره الفقیه، علل الشرایع، عیون اخبار الرضا، ثواب الاعمال) و الغیبه طوسی است. گفتنی است محدوده بررسی‌ها از ابتدای تشکیل مدرسه قم تا قبل از دوران صدوق (م ۳۸۱ق) است. صدوق با توجه به مسافرت‌های فراوان حجم قابل توجه‌ای از میراث خود را از سایر مدارس گرفته است. به‌عنوان نمونه از مجموع ۶۲۱ روایت کتاب «کمال‌الدین»، حدود ۴۷۰ روایت او از مدارس دیگر است؛ بنابراین از اساس، وی نمی‌تواند نماینده مدرسه قم باشد. البته با احراز قمی بودن احادیث منقول وی، بخشی از روایات این محدث مورد توجه بوده است.

جعفر حمیری، سعد بن عبدالله اشعری، محمد بن حسن صفار، علی بن ابراهیم بن هاشم اشاره کرده و در ادامه به معرفی استادان، شاگردان و آثار آنان پرداخته است اما با رویکرد خاص مهدوی بدان‌ها توجه نشده است (سبحانی و همکاران، ۱۳۹۵، صص ۲۷۶-۳۴۶).

اخیراً نگارنده، مجموعه مقالاتی در باب میراث مکتوب مدرسه حدیثی قم به فرجام رسانده است؛ مانند بررسی و تحلیل رویکرد احمد بن محمد بن خالد برقی به روایات مهدوی با تأکید بر کتاب محاسن برقی (کامیاب، ۱۴۰۱ «الف» بررسی و تحلیل محتوایی روایات مهدوی قرب الاسناد حمیری (کامیاب، ۱۴۰۳) و دراسة منهج علی بن ابراهیم القمی حول الروایات المهدویه فی تفسیر القمی (کامیاب، ۱۴۴۵ق). در این نوشته‌ها به صورت روشمند با رویکرد کتاب‌شناسی به بررسی کتاب‌های محاسن برقی، قرب الاسناد حمیری و تفسیر قمی پرداخته‌ایم.

افزون بر آن، آثار دیگری مانند تحلیل محتوایی راویان روایات مهدوی مدرسه قم تا قبل از دوران (صدوق، طباطبایی، ۱۴۰۱ «ب») و تحلیل شاخصه‌های مدرسه حدیثی قم در نقل روایات مهدوی تا قبل از دوران صدوق (کامیاب، ۱۴۰۲) با رویکرد رجالی و شاخصه‌شناسی مدرسه قم مورد توجه بوده است.

با این توصیفات، سخن از گونه‌های روایی و اهتمام به موضوعات مهدوی در مدرسه قم مورد توجه نبوده است. نوشتار پیش‌رو با روش توصیفی و تحلیلی بدین رویکرد خواهد پرداخت.

۱. گونه‌شناسی روایات مهدوی تا قبل از دوران ظهور

برجسته‌ترین و پربسامدترین روایات مدرسه قم، به دوران قبل از ظهور تعلق دارد. این دوران در چندین مولفه مهم قابل ذکر است:

۱-۱. ویژگی‌های شخصی امام مهدی

ویژگی‌های امام مهدی علیه السلام به مجموعه‌ای از روایات گفته می‌شود که در صدد شناسایی دقیق دوازدهمین امام برآمده که خود دارای گونه‌های متعددی است:

۱-۱-۱. تبارشناسی

در اینکه مهدی موعود علیه السلام مردی از امت اسلامی و از عترت و اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، تردید و اختلافی در میان مسلمانان وجود ندارد، اما در نوع شناسایی، دو دسته روایت وجود دارد.

دسته اول: روایاتی است که امام را به اهل بیت منتسب می‌کنند که با عبارتی مانند «مردی از ما اهل بیت» (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۳۵۱)، «مردی از آنها» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۵۰)، «مردی از من» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۱۶۱)، «کودکی از ما» (کلینی، ج ۱، ۱۴۰۷، ص ۳۴۱) به کار رفته است.

دسته دوم: فراتر از دسته اول که هر معصوم، امام مهدی را از تبار خود دانسته است؛ مانند روایتی که پیامبر فرمود: «مهدی از فرزندان من است» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، صص ۲۸۰-۲۸۶)، یا روایت امام حسین علیه السلام که فرمود: آخرین از آنها نهمین از فرزندان من است (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۱۷)، یا روایت امام کاظم علیه السلام که فرمود پنجمین از فرزندان من (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۳۸) و شبیه آنکه در روایات فراوان گزارش شده است (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، صص ۲۵۶، ۲۶۲، ۲۶۹).

۲-۱-۱. شیوه‌های معرفی امام مهدی

در برخی روایات مدرسه قم بدون آنکه اشاره‌ای به تبار یا نسب امام مهدی علیه السلام داشته باشد، به نوعی دیگر به معرفی امام پرداخته است. این معرفی با شیوه‌های مختلفی بیان شده است. به عنوان نمونه در روایتی از امام ششم آمده است: «هرگاه در سلسله امامان سه نام محمد و علی و حسن دنبال هم آمد چهارمی قائم باشد» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۳۳۴).

در روایات دیگر که تمام آنان در جواب سوال پرسشگران از قائمیت یا صاحب الامر بودن اهل بیت گزارش شده است با توصیفات دیگری به معرفی امام می‌پردازند. امام صادق علیه السلام در معرفی صاحب الامر می‌فرماید: «همان کسی است که زمین را پر از عدالت کند، چنان که پر از ستم و جور شده باشد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۴۱) یا در جواب

سوالی دیگر امام باقر علیه السلام فرمود: «بنگرید هر که ولادتش از مردم نهان گشت او صاحب شماس است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۴۲).

همچنین عباراتی دیگر در این باره ذکر شده است؛ مانند آنچه امام باقر علیه السلام فرمود: «صاحب این امر از من جوانتر و نیرومندتر است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۳۶). همچنین امام رضا علیه السلام فرمود: «کودکی را از ما خاندان مبعوث کند که ولادت و وطن او نهان است ولی نسبت و دودمانش نهان نیست» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۴۱)، یا از امام صادق علیه السلام آمده است: «همه ما قائم به امر خداییم، یکی پس از دیگری تا زمانی که صاحب شمشیر بیاید، چون صاحب شمشیر آمد، امر و دستوری غیر از آنچه بوده می آورد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۳۶).

این شکل از معرفی‌ها با توجه به ذهن سائل از قائم موعود و شرایط دوران به‌ویژه دوران قیام‌های حاکمان بنی عباس و انزوای بنی امیه انجام پذیرفته است. از طرفی دیگر هیچکدام از ائمه طاهرین، در زمان پرسش اصحاب، دارای ویژگی‌های مذکور نبوده و این نوع بیانات می‌توانسته به نوعی به شناخت امام مهدی علیه السلام در دوران بعدی کمک کند.

۱-۲. مادر امام عصر

در روایات اسامی متعددی برای نام گرامی مادر حضرت اشاره شده است. صدوق به‌طور ویژه در گزارش‌های مرتبط با امام مهدی علیه السلام به‌طور ضمنی به اسم نرجس (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۲۶) و صقیل (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۳۱) اشاره دارد. بنا بر یک گزارش در دوران حیات امام عسکری علیه السلام و بعد از تولد امام دوازدهم، ایشان رحلت کرده است (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۳۱).

قمی‌ها با عبارتی مانند: «ابن سَیِّدَةِ الْأِمَاءِ» به کنیز بودن این بانو اشاره دارند (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، صص ۳۶۹ - ۳۷۱). بنابر یک گزارش صاحب این کنیز، حکیمه عمه امام عسکری علیه السلام دانسته شده (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۲۶) که نحوه انتقال وی به خانه ایشان معلوم نیست. دسته دیگر ضمن اشاره به کنیز بودن ایشان، او را از نوبیه سودان می‌دانند

(کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، صص ۳۲۲-۳۲۳)؛ بنابراین گزارش رومی بودن حضرت نرجس که امروز مشهور شده است در مدرسه حدیثی قم مورد نقل و انتقال نبوده است.

۱-۳. تولد امام

به طور کلی درباره تولد امام دو دسته روایات در مدرسه قم وجود دارد:

الف. روایات خفای ولادت

عباسیان حاکم بر سامرا و بغداد برای کنترل زندگی امام حسن عسکری علیه السلام و عدم تولد آخرین ذخیره الهی تلاشهای فراوانی به عمل آوردند. طبق نقل قمی ها توطئه قتل زود هنگام امام را در سر می پروراندند که در این امر ناکام ماندند (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۰۷) بر همین اساس نقل رسمی تولد حضرت، در بین اقشار مختلف مردم خلاف مصلحت مسئله امامت تلقی می گردد؛ از این رو خفای ولادت امام در روایات، به عنوان یک سیاست پیش بینی گردید (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۴۱؛ صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۳۶۹). براساس همین رویکرد، برای جلوگیری از تردید پیروان یکی از شاخصه های زندگی امام، «شک در ولادت» ایشان معرفی گردید. به دنبال آن روایاتی در این زمینه به دست ائمه معصومین صادر گردید؛ مانند روایت امام صادق علیه السلام که فرمود: «... و اوست که در ولادتش تردید شود» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۳۷؛ صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۵۱، ج ۲، ص ۳۷۱)، یا در تعبیر دیگری این چنین آمده است: «مردم می گویند هنوز به دنیا نیامده است» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۳۶۰).

ب. روایات گزارش ولادت

با اینکه سیاست بر خفای ولادت از انظار عموم جامعه بوده اما در روایات گزارش های مختلفی از نحوه تولد امام به دست رسیده است. کلینی با دو گزارش مختصر به اصل مسئله تولد امام اشاره دارد. گزارش اول از حضرت حکیمه است که تنها به رؤیت امام بسنده کرده است (کلینی ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۳۱)، گزارش دیگر از احمد بن محمد

بن عبدالله است که در ضمن توقیعی به نام حضرت و سال تولد امام اشاره دارد (کلینی ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۱۴). در ادامه شیخ صدوق با طریق قمی با تفصیل بیشتر با نقل چند گزارش، به داستان تولد پرداخته است (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، صص ۴۲۴، ۴۲۶، ۴۳۰، ۴۳۲). پس از وی شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) با اسنادی قمی شبیه روایات شیخ صدوق را گزارش داده است (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۲۳۷). از نکات قابل توجه نگاه فرابشری در برخی از این خبرها است. چنانکه در نقلی که حسین بن احمد بن ادریس، مسئول گزارش آن است با استناد به کلام حضرت حکیمه، به سخن گفتن امام در شکم مادر، غیب شدن نرجس خاتون در لحظه تولد امام، نگه‌داری امام توسط پرندگان به مدت چهل روز، بزرگ شدن امام در طی چهل روز به گونه‌ای که شبیه کودک یک ساله است می‌توان اشاره کرد (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۲۶)، یا در گزارشی دیگر که مستند به معصوم نیست از محمد بن یحیی نقل شده است: «چون سید متولد شد، نور درخشان وی را دیده است که از او ظاهر گردیده و به افق آسمان‌ها رسیده است و پرندگان سپیدی دیده که از آسمان فرود می‌آیند و پرهای خود را به سر و صورت و سایر اعضای وی می‌کشند و سپس پرواز می‌کنند، این مطلب را به امام حسن عسکری علیه السلام خبر دادیم، خندید و فرمود: «آنها ملائکه‌ای هستند که برای تبرک جستن به این مولود فرود آمده‌اند و چون ظهور کند یاوران وی خواهند بود» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۳۱). این گزارش‌ها در کتاب مرحوم صدوق نقل شده است. وی با توجه به رویکرد نص‌گرایی تنها ناقل این سنخ روایات بوده است و به صحت و عدم صحت گزارش‌ها اشاره نمی‌کند. بدین ترتیب نمی‌توان گفت وی به برخی از آنها اعتقاد داشته است، به‌ویژه که برخی از گزارش‌ها در میراث برخی از غلات به چشم می‌آید (رک: حسین بن حمدان، ۱۳۷۷، ص ۳۵۷).

بعد از تولد حضرت جهت ابهام‌زدایی و معرفی امام به جامعه شیعی، جمعی از خواص شیعیان با دعوت امام عسکری علیه السلام، کودکی امام مهدی علیه السلام را نظاره کردند. محمد بن عثمان گویند ما چهل نفر در منزل امام حسن عسکری علیه السلام بودیم، ابو محمد فرزندش را به ما عرضه کرد و فرمود: «این امام شما پس از من و خلیفه من بر شماست» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۳۵). در نقل دیگری ابی غانم خادم می‌گوید: «امام در روز سوم

فرزند را بر اصحاب عرضه کرد» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۳۱) براساس همین ملاقات‌ها بود که مسئله اعتقاد به امام دوازدهم شکل گرفت و جریان‌های انحرافی برچیده شد.

۴-۱. نام صاحب عصر

واژه «اسم» در لغت عرب، گاه به معنای نام خاصّی است که در آغاز ولادت بر کودک نهاده می‌شود و از آن به «عَلَم» تعبیر می‌شود و گاه برای کنیه و یا لقب به کار می‌رود. نام امام دوازدهم، همان نام اصلی و معروف پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله است. در گزارشی این چنین آمده است: برای ابی محمد (امام عسکری) پسری متولد شد که نامش را «محمد» گذاشت (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۱۴؛ صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۳۱) در نقل‌های دیگر به صراحت به نام امام تصریح نشده اما اسم ایشان را مانند اسم پیامبر خدا دانسته‌اند (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۳۸۵). البته بر پایه شماری از احادیث، تصریح به نام ایشان، ممنوع است. کلینی در روایتی از امام صادق علیه السلام آورده است: «نام صاحب الامر را جز کافر نبرد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۳۳).

۵-۱. کنیه امام

در روایات به دو کنیه امام اشاره شده است. یکی از آن دو همان کنیه معروف پیامبر خداست که در خطابی امام عسکری علیه السلام فرمود: «او همنام و هم کنیه رسول خدا ابوالقاسم صلی الله علیه و آله است» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۸۶). در روایات دیگر به کنیه ابوجعفر که شهرت کمتری دارد اشاره شده است، در این باره از امام حسین علیه السلام آمده است: «صاحب الامر دارای کنیه عمویش است» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۱۸)، از آنجایی که کنیه عموی امام ابو جعفر است، مراد از «المکنی بعمه» در روایت ابوجعفر است.

۶-۱. القاب امام

به‌طور معمول نام خاصّ افراد یکی یا دو تا است؛ ولی تعدّد کنیه و لقب به‌ویژه در تاریخ گذشته عرب فراوان است. در بسیاری از موارد، لقب از شهرتی برخوردار می‌شود

که برای معرفی اشخاص، بیش از نام اصلی کارآرایی دارد. لقب‌های امامان اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز بیش از نامشان کاربرد داشته و دارد. از این رو آنان بیشتر با لقب معرفی می‌شوند. در میان القاب امام، مشهورترین آنان لقب قائم، مهدی و صاحب الامر است. از مجموع روایات قمی‌ها نزدیک به ۱۵۰ مورد از آن با واژه قائم آمده است. این روایات با پسوندهای «القائم من آل محمد» (قمی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۲۹)، «القائم المنتظر» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۷۲)، گزارش شده است.^۱

همچنین از لقب مهدی ۲۳ مرتبه یاد شده است. درباره صاحب الامر و هم خانواده آن مانند صاحبکم، صاحب الزمان در منابع ۲۷ بار آمده است. در بین این روایات تنها یک روایت به وجه تسمیه لقب مهدی اشاره دارد. صدوق در علل الشرایع از پدر خود آورده است: «آن حضرت را به خاطر این جهت «مهدی» نامیده‌اند که مردم را به امر مخفی و نهانی هدایت می‌فرماید» (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۶۱).

علاوه آن دو لقب دیگر یعنی حجت بن الحسن (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۵۰۷) و بقیة الله نقل شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۱۱). احمد بن اسحاق در دیدار خود با امام عسکری (علیه‌السلام) می‌گوید: امام مهدی (علیه‌السلام) در همان حال کودکی، خود را اینگونه معرفی کرد: «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۳۸۵).

افزون بر القاب پیش گفته، در روایات برای امام (علیه‌السلام) اوصافی ذکر شده است. این اوصاف بدلیل عدم شهرت و کاربرد فراوان تنها در حد وصف باقی مانده است. این اوصاف عبارتند از: سید (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۳۰)، غریم (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۸۵)، طرید، شرید، وحید و فرید (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۰۳). برخی از آنان مانند سید و غریم^۲ که از ناحیه ابوجعفر عمری در دوران غیبت صغرا گزارش شده است، حالت رمزگونه بوده است که بیشتر به فضای سیاسی - امنیتی و زمامداران ستمگر آن زمان اشاره دارد

۱. البته در برخی روایات پسوندهای مانند «القائم بالحق» «القائم بالقسط» گزارش شده است که می‌توان آنان را وصف امام دانست.

۲. این لقب، برای اشاره به بستانکار بودن امام مهدی علیه السلام در مورد خمس به کار می‌رفته است (محمدی ری شهری، محمد و همکاران، دانشنامه امام مهدی، ج ۲، ص ۳۲۷).

که اخبار قیام امام به آنها رسیده بود و در صدد بودند که به هر نحو او را بیابند و همچون امامان پیشین به شهادت برسانند (ری شهری، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۳۲۷)، برخی دیگر مانند فرید و وحید از دوران تنهایی و عزلت امام مهدی علیه السلام حکایت دارد.

۷-۱. شمایل امام

اگرچه در منابع غیر قمی روایات فراوانی درباره چهره ظاهری حضرت ذکر شده است که بالغ بر ۱۵ گزارش می‌رسد (نعمانی، ۱۳۹۷، صص ۲۱۴-۲۱۵)؛ اما در بین قمی‌ها تنها ۴ گزارش ذکر شده است. مجموع این گزارش‌ها ضمن توصیف جمال دلربا و نورانی حضرت، ویژگی‌های ظاهری امام این چنین توصیف شده است: کتف‌های باز و عریض (صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۸۹)، ابروانی گشاده، گونه و بینی کشیده، قامتی بلند، بر گونه راست خال (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۴۶) و دارای موی بلند است (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۴۷۰). با توجه به نقل همین گزارش‌های محدود این نتیجه به دست می‌آید سخن از شمایل حضرت و ویژگی‌های ظاهری امام چندان مورد توجه نبوده است.

۸-۱. سکونت امام

درباره محل سکونت حضرت در دوران غیبت روایات با یکدیگر همداستان نبوده و با تنوع فراوان نقل شده است. در یک روایت امام رضا علیه السلام می‌فرماید «ولادت و وطن او نهانست» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۴۱). در روایت دیگر تنها به‌طور مبهم مکان سکونت امام به شیعیان و خواص یاران نسبت داده شده است. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: «برای حضرت قائم علیه السلام دو غیبت است: یکی کوتاه و دیگری بلند، در غیبت اول جز شیعیان مخصوص از جای آن حضرت خبر ندارند و در غیبت دیگر جز دوستان مخصوصش از جای او خبر ندارند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۴۰)، اما در سه روایت دیگر به مکان‌هایی اشاره شده است. روایت اول با عبارت «نِعْمَ الْمُنْزِلُ طَبِیْهٌ» منزل امام را طویه یا همان مدینه می‌داند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۴۰). در روایت دیگری ابوهاشم جعفری به امام فرمود: «اگر حادثه‌ای برای شما رخ دهد در کجا سراغ او را (فرزند شما) بگیرم، امام فرمود در

مدینه» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۲۸)، در روایت دیگر که شیخ طوسی از قمی‌ها نقل کرده است کوه رضوی به عنوان ماوای امام معرفی شده است (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۱۶۳). به نظر می‌رسد با توجه به مسئله غیبت و زیست پنهان امام، دانستن مکان زندگی حضرت امکان پذیر نیست.

۲. مقام امام مهدی

در مدرسه قم به طور ویژه، در برخی روایات به جایگاه و ویژگی‌های خاص امام مهدی علیه السلام اشاره شده است؛ در این روایات امام مهدی علیه السلام اشرف مخلوقات شناخته شده است. حمیری از امام علی علیه السلام در این باره نقل کرده است: «از ما، خداوند هفت نفر را

خلق کرده که در روی زمین مانند آنان وجود ندارد... یکی از آنان قائم است (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۲۵)، این روایت و شبیه آن حکایت از مقام خاص امام مهدی دارد. اگر بخواهیم به مواردی در این باره اشاره کنیم به سه نوع مقام و ویژگی می‌توان پرداخت:

اول، مقام فردی امام: مراد روایاتی است که درباره شخص حضرت بدون دخالت دادن شئون امامت در نظر گرفته شده است. مانند سخن گفتن امام و شهادت بر وحدانیت خداوند و رسالت پیامبر اکرم در هنگام تولد (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۲۶)، قرار گرفتن در بیت الحمد (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۴۶۷)، نامیدن روز جمعه به نام روز حضرت (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۲۶)، اقتدای نبی الهی حضرت عیسی علیه السلام در هنگامه ظهور (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۲۱۸). منشأ این دست موارد می‌تواند متأثر از جایگاه امامت باشد.

دوم، مقام‌های مرتبط با امامت: مانند علم امام (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۶۷۴) و گزارش‌های توقیعات مانند اخبار غیبی از امور گوناگون مانند خرید دکان‌های شیعیان (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۹۲)، ارسال دارو جهت بهبودی حال شیعیان (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۹۳)، اصلاح اسامی صاحبان اموال (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۹۵)، عدم قبول اموال فرقه‌های انحرافی مانند مرجئه (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۵۱۰)، علم امام به تفسیر حروف (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۸۱)، شناخت افراد صالح و فاسد در دوران ظهور (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۶۷۱) و مشابه

آن (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۹۸).

سوم، سنت‌های انبیا پیشین: در برخی روایات سنن انبیای گذشته برای امام مهدی (عج) هم رخ خواهد داد. در روایتی از امام باقر (ع) در این باره آمده است اما از سنت حضرت موسی (برای امام مهدی) ترس و انتظار است، و اما از یوسف زندان است، از عیسی آن است که در باره او می‌گویند مرده است ولی او نمرده، از محمد (ص) شمشیر است (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۱۵۲)، در روایات دیگری غیبت امام مهدی به غزیر در مرگ و حیات مجدد او تشبیه شده است (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۴۲۲).

۳. غیبت امام

از بنیادی‌ترین مبانی امامیه مسئله غیبت امام زمان (ع) است. روایات غیبت در این زمینه فراوان و متنوع نقل شده است. کلینی (ع) در بابی با عنوان «باب فی الغیبه» به تفصیل احادیث مرتبط با غیبت را بیان کرده است. در یک تقسیم‌بندی بحث غیبت را در چند محور می‌توان بیان کرد:

الف) اصل غیبت: در این باره در برخی روایات با تعبیر معروف «إِمَامًا ظَاهِرٍ مَشْهُورٍ أَوْ خَافٍ مَعْمُورٍ» به اصل وجود امام ظاهر و امام غایب اشاره شده است (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۱۵۲). اما درباره امام مهدی به‌طور خاص در روایات به پیشگویی‌هایی از غیبت امام اشاره دارد.

در روایتی از پیامبر خدا درباره امام مهدی نقل شده است: «مهدی از فرزندان من است ... برای او غیبت و حیرتی است (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۱۵۲)، در روایت دیگر آمده است: «امام شما سال‌های سال از روزگار این جهان غایب شود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، صص ۳۳۶-۳۴۳)، همچنین در تک روایتی که از روایات تفسیری است به غیبت و سال آن اشاره شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۴۱).

ب) دوران غیبت: همزمان با مطرح شدن اصل غیبت در روایات دیگری به دو دوران غیبت اشاره شده است. کلینی (ع) در روایتی از امام صادق (ع) آورده است قائم (ع) دو

غیبت دارد، یکی کوتاه و دیگری بلند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۴۰).

ج) علت غیبت: سخن از علت غیبت یکی دیگر از بحث‌های پر دامنه این مدرسه است. در این باره چند دسته روایات گزارش شده است. دسته اول روایات خوف از قتل است که به عنوان مهمترین علل غیبت امام معرفی شده است. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود «برای قائم پیش از قیامش غیبتی است، گفتم: برای چه؟ فرمود: می ترسد ذبحش کنند» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۸۱). دسته دوم روایاتی است که به عدم بیعت امام با دیگران اشاره دارد، امام صادق علیه السلام می فرماید: «قائم ما قیام می کند و در گردن او برای هیچ کس پیمان و قرار داد و بیعتی نیست» (همان، ج ۱، ص ۳۴۲).

علاوه بر این دو دسته به علل دیگری می توان اشاره کرد مانند: سری از اسرار الهی (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۳۸۵)، آزمایش بندگان (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۳۵۹)، عدم خشنودی خداوند از وجود امام در بین مردم (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۴۴)، وجود ودائع الهی در صلب مشرکان و خروج آنان قبل از ظهور (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۶۴۱)، یا معرفی امام در بین مردم و شناخت او در زمانی که شرایط حضور امام مهیا نیست (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۳۸).

د) فتنه‌ها و چالش‌های دوران غیبت: همزمان با آغاز غیبت در روایات، به چالش‌های فرا روی شیعیان اشاره شده است. شک در وجود حضرت (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۳۷)، عدم نیاز برخی از مردم به امام (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۰۲)، وجود فتنه‌ها (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۳۷۱) و سختی دینداری در آن دوران (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۳۵)، از مهمترین مشکلات پیش روی شیعیان است.

برخی از این گزارش‌ها به دوران غیبت صغرا اختصاص دارد؛ به طور مثال در روایتی امام عسکری علیه السلام فرمود: «در سال دویست و شصت پیروانم فرقه فرقه می شوند» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۰۸)، در همین گزارش راوی به تحیر شیعیان و پناه بردن برخی به جعفر بن علی و برخی دیگر بر امامت امام مهدی اشاره دارد. در روایتی دیگر امام هادی علیه السلام فرمود «شما با جانشین پس از جانشین من چه خواهید کرد؟» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۳۸۲) که به این تحیر اشاره دارد. در روایت دیگری که به نظر می رسد از روی تقیه صادر شده

است حضرت حکیمه ضمن نفی هر گونه دیدار با امام مهدی شیعیان را به مادر امام عسکری علیه السلام ارجاع می‌دهد (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۵۰۷). درست بر همین اساس است که نوبختی بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام اصحاب امام را، به ۱۴ گروه تقسیم کرده است (نوبختی، صص ۱۰۸-۱۱۲).

برخی دیگر از روایات که به نظر می‌رسد به دوران غیبت کبرا اشاره دارد به عدم ثبات پیروان در پذیرش امام خود تأکید دارد، به نوعی که به حیات امام اعتقاد ندارند. امام باقر علیه السلام در این باره می‌فرماید: «مردم گویند قائم مرده و یا هلاک شده و در کدام وادی سلوک می‌کند» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۲۶).

مؤید این نوع حوادث عباراتی است مانند «او را غیبتی است که اقوامی در آن مرتد شوند و دیگرانی در آن پابرجا باشند و اذیت شوند» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۱۷)، یا «از یک دیگر ممتاز شوید و مورد آزمایش واقع گردید و غربال شوید» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۳۴۷). در کنار این اتفاقات، ثبوت قدم در راه امام مورد تأکید قرار گرفته است. برقی در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است: «هر یک از شماها که بمیرد در حالی که با اعتقاد به ما و ولایت ما باشد، او همچون کسی است که خیمه‌اش را در رواق حضرت مهدی زده است، بلکه به منزله کسی است که در کنار او با شمشیر پیکار کرده است، بلکه به منزله کسی است که با او شهید شده است، بلکه به منزله کسی است که با رسول خدا شهید گشته است» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۷۳).

۴. رویت امام در دوران غیبت

درباره مشاهده امام در مدرسه قم سه نوع روایت نقل گردیده است:

۴-۱. دوران حضور امام عسکری

در دوران حضور امام عسکری علیه السلام روایت‌های متعددی مبنی بر مشاهده، ارتباط و ملاقات با امام گزارش شده است. کلینی علیه السلام با مرتب کردن بابی با نام «بَابُ فِي تَسْمِيَةِ مَنْ

رآه» به چندین روایت در این باره اشاره دارد که برخی از آنان از محدثان قم می‌باشند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۲۹). به‌طور مشخص حضرت حکیمه (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۳۱)، ابی نصر ظریف (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۳۲)، عثمان بن سعید (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، صص ۳۲۹-۳۳۰)، و احمد بن اسحاق (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۳۸۵) از جمله افرادی‌اند که امام را از نزدیک دیده‌اند. این گونه ملاقات‌ها بیشتر جهت اثبات ولادت و جانشینی پس از امام یازدهم شکل گرفته است.

۲-۴. دوران غیبت صغرا

بعد از شهادت امام عسکری (علیه السلام) با آغاز دوران غیبت صغرا گزارش ملاقات با امام کمتری به چشم می‌آید به گونه‌ای که در برخی روایات به صورت کلی آمده است که امام با اهل خود که کنایه از اقوام یا کارگزاران و وکیلان خود است ارتباط دارد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۴۰). اما در بین روایات، گزارشی از ملاقات محمد بن عثمان عمری بدست آمده است که با توجه به وکالت خاص وی از طرف ناحیه مقدسه، فراوان با امام ملاقات داشته است، آخرین بار آن در کنار بیت الله الحرام ذکر شده است (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۴۰). گزارشات دیگری از افرادی مانند ابراهیم بن مهزیار (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۴۵)، ابی سعید هندی (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۳۸)، محمد بن شاذان نیشابوری (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۴۰)، نقل شده است. در یک گزارشی برای رفع تنهایی امام، سی نفر ایشان را همراهی می‌کنند که البته ارتباطی با ملاقات مصطلح ندارد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۴۰).

۳-۴. دوران غیبت کبرا

در برخی دیگر از روایات، صراحت در عدم مشاهده امام دارد. امام هادی (علیه السلام) در این باره فرمود: «شخص او را نمی‌بیند» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۳۸۱). در روایت دیگری تنها امام آنان را می‌بیند و آنان امام را نمی‌بینند، امام صادق (علیه السلام) در این باره فرمود: «امام در موسم حج حاضر شود و مردم را ببیند ولی آنها او را نبینند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، صص ۳۳۷-۳۳۸) یا در بازارها حضور دارد و روی فرش‌ها گام بر می‌دارد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، صص ۳۳۷-۳۳۸).

احتمالا این نوع روایات به دوران غیبت کبرا اختصاص دارد که دیدار با امام، با وجود امکان آن به راحتی مانند دو دوره قبل حاصل نخواهد شد.

۵. توقیعات

واژه «توقیع»، مصدر باب تفعیل و از ریشه «وقع»، به معنای نشان نهادن بر یک نوشته است، خواه به شکل امضا کردن، یا اعلام رد و تأیید و خواه با نوشتن پاسخ در میان، حاشیه و یا پشت آن (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۱۳۳؛ فراهیدی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۱۷۷).

معنای اصطلاحی توقیع نیز به همین معنا و بیشتر درباره پاسخ یک شخصیت برتر (مانند: پیشوای دینی، حاکم و نمایندگان ارشد آنها) به درخواست‌ها، نامه‌ها و استفتائات به کار می‌رود و به همین منظور، خطی با همین نام در گذشته‌های دور، ابداع شده بود تا پاسخ‌های حکومتی را با آن خط بنگارند (ری شهری، ۱۳۹۳، ج ۴، ص ۱۱۵). در فرهنگ شیعی، واژه «توقیع» بر مکاتبه‌ها، منشورها و نامه‌های امامان علیهم‌السلام حتی بدون دریافت نامه و درخواست قبلی، اطلاق می‌شود و گاه برخی پیام‌های شفاهی امام عصر علیه‌السلام را نیز توقیع نامیده‌اند (ری شهری، ۱۳۹۳، ج ۴، ص ۱۱۵). در مدرسه قم توقیعات شامل چند دسته‌اند:

برخی از آنها به امور اعتقادی اختصاص دارد مانند: اطمینان قلبی به اصحاب درباره ضرورت وجود امام در هر دوره از جمله پس از شهادت امام عسکری علیه‌السلام (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۸۷)، ادعاهای دروغین جعفر کذاب (طوسی، ۱۴۱۱، صص ۲۸۷-۲۹۰)، تبیین جایگاه امام (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۹۸)، نفرین منکرین حقوق امامت (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۹۹)، تبیین برخی روایات توسط امام (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۸۳) و زمان ظهور مشروط بر غیبت امام (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۳۸۱).

برخی دیگر از این مکتوبات به امور وکالت مرتبط است مانند: پیام تعزیت در وفات نایب اول (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۵۱۰)، معرفی وکیل جدید (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۸۷)، تمدید وکالت اصحاب (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۵۲۴) و لعن مدعیان دروغین وکالت (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۸۹).

اما بخش دیگر که دارای فراوانی بیشتری است، به امور اقتصادی و شخصی مخاطبان

اختصاص دارد: مانند ارشاد و راهنمایی آنان (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۹۳)، درخواست پرداخت و دریافت وجوهات، اعلام وصول آن و بیان کم و کیف آن توسط امام (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۵۰۹)، هدایت پیروان در تشخیص پرداخت اموال به امام (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۸۸)، درخواست ارسال اموال (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۹۳)، اجازه فروش منزل امام و پرداخت وجه آن به صورت اقساط (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۹۶)، درخواست دعا برای آزادی زندانی (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۹۳)، طلب فرزند (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۳۰۹)، اختیار کنیز برای فرزندآوری (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۸۹)، دعا برای تعیین جنسیت فرزند (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۹۳)، تعزیت به پدر جهت مرگ فرزند (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۹۲)، خبر از فرزنددار شدن پیروان (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۸۹)، خبر از مرگ فرزند دختر (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۸۹)، دعا برای گذراندن حج و برطرف شدن امور مالی (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۹۳)، اطمینان دادن به امور آینده شیعیان مانند برگزاری حج و سلامتی برگشت آنان (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۹۰).

۶. وظایف منتظران در عصر غیبت

در مورد تکالیف شیعیان در دوران غیبت سخن‌های بسیاری گفته شده است اما در طول دوران حیات مدرسه قم، محدثان بر چندین مسئله به‌عنوان وظایف منتظران تأکید دارند:

۶-۱. انتظار

واژه انتظار از ریشه نظر به معنای تأمل و بررسی است که بعدها توسعه پیدا کرده است، وقتی گفته می‌شود «نَظَرْتُه یعنی انتظارته» (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۴۴۴)، مثل این است که به زمانی می‌نگرد که شیء مورد انتظارش در آن زمان می‌آید. در منابع لغت فارسی انتظار به معنای «چشم به راه بودن، توقع و چشم داشتن آمده است» (انوری، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۵۸۹)، اما در اصطلاح عبارت است از امید به آینده‌ای که در آن، ظلم، بی‌عدالتی، تبعیض و زشتی نباشد و جهان از آنها رهایی یافته باشد و عدالت گستره بر گیتی حاکم باشد (دایرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۳۵۳).

این آموزه در روایات مدرسه قم با واژگان «انتظار» «منتظر» و «تَوَقُّع» نقل شده است. در این روایات اصل انتظار قائم، از شاخصه‌های دینداری شمرده شده و شیعیان بدان ترغیب شده‌اند (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۱۱). برقی در محاسن با نقل چهار روایت هم مضمون از اولین محدثانی است که به این آموزه و فضیلت آن توجه ویژه کرده است، او از امام صادق نقل کرده است: «هر کس از شما به اعتقاد به این امر بمیرد در حالی که منتظر آن باشد، مانند کسی است که در خیمه قائم علیه السلام باشد» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۷۴). در روایات دیگر مدرسه قم منتظر امام زمان مانند کسی است که با قائم در خیمه اوست بلکه مانند کسی است که در رکاب او شمشیر زده است یا همچون کسی است که در رکاب پیغمبر صلی الله علیه و آله به شهادت نائل گشته است (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۷۴). در برخی دیگر، اجر روزه‌دار شب‌زنده‌دار (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۲۲) و ثواب شهید (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۲۳۲) به او داده می‌شود.

در روایات دیگر مدرسه قم رضایت و خشنودی خداوند برای کسانی است که امام آنان غایب است اما صبح و شب منتظر اویند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۳۳)، مرگ کسی که منتظر امام قائم باشد مانند کسی که با پیامبر بوده است (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۷۳) و اجر شهید در رکاب قائم به او داده می‌شود (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۷۳). در تمامی این روایات واژه «انتظار» با «هذا الامر» به کار رفته است که با توجه به قرائن درون متنی مراد از آن، امر امامت امام مهدی علیه السلام است؛ بنابراین روایات مذکور سخن از انتظار امر امامت و حکومت مهدوی را مد نظر دارد.

۶-۲. معرفت به امام

شناخت امام گرچه منحصر به دوران غیبت نیست، اما در بین قمی‌ها زمانی که از شناخت سخن به میان می‌آید پیوند آن با مسئله مهدویت مشهود است. برقی در کتاب محاسن در بابی با عنوان «من مات لا یعرف إمامه» به این مسئله اشاره دارد. روایت پایانی این باب از امام باقر علیه السلام، ثواب معرفت به امام را مانند حضور درخیمه امام برشمرده است (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۹۰).

باز در این زمینه می‌توان به روایات منقول مرحوم کلینی^(ع) اشاره کرد. او در کتاب الکافی یک باب را با نام «معرفة الامام و الرد اليه» با نقل ۱۴ روایت، بدین موضوع اختصاص داده است. در این باب به‌طور عام بر لزوم معرفت ائمه اشاره شده است. اما در بابی دیگر با نام «انه من عرف امامه لم يضربه تقدم هذا الامر او تاخر» به ۷ روایت اشاره دارد. این روایات گرچه دستور به شناخت تمامی اهل بیت داده است اما برخی از آنان با مسئله مهدویت پیوند دارد. از جمله امام صادق^(ع) در روایاتی فرمود:

«ای فضیل! تو امامت را بشناس، زیرا هرگاه امامت را شناختی تقدم یا تأخر این امر زیانت ندهد، کسی که امامش را بشناسد و پیش از قیام صاحب الامر بمیرد، مانند کسی است که در لشکر آن حضرت بوده است، نه، بلکه مانند کسی که زیر پرچم آن حضرت نشسته باشد. یا امام فرمود: مانند کسی است که در رکاب رسول خدا^(ص) شهید شده باشد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۷۱).

در این باره روایت دیگری شبیه روایات پیشین ذکر شده است که ثواب معرفت به امام مانند کسی است که به خیمه قائم تکیه کرده است و همزمان با مسئله غیبت امر به دعا شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۷۱).

۳-۶. عدم انکار امام

در کنار معرفت به امام، یکی دیگر از وظایف منتظران عدم انکار امام عنوان شده است. در روایتی از پیامبر خدا نقل شده است: «کسی که آخرین ما را انکار کند، مانند کسی است که اولین ما را انکار کند» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۰۹)، باز در روایت دیگری از پیامبر خدا با عبارت «هر کس منکر قائم از فرزندان من شود مرا منکر شده است» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۱۲)؛ از این روایات، سفارش به مسئله امامت امام دوازدهم برداشت می‌شود.

۴-۶. نهی از تعیین وقت و عجله در امر ظهور

یکی از آسیب‌هایی که همواره مسئله مهدویت را تهدید کرده است تعیین وقت

ظهور است؛ از این رو همواره در روایات مدرسه قم یکی از وظایف شیعیان نهی از تعیین وقت و عجله کردن در امر ظهور است. کلینی رحمه الله در کتاب الکافی، بابی با نام «کراهیت توقیت» ترتیب داده است و در آن به روایات متعددی اشاره کرده است. از جمله آنکه امام صادق علیه السلام خطاب به مهزم (یکی از اصحاب نزدیک امام) فرمود: «ای مهزم! دروغ گفتند وقت گذاران و هلاک شدند شتاب کنندگان و نجات یافتند تسلیم شوندگان (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، صص ۳۶۸-۳۶۹، ج ۸، ص ۲۷۳).

در روایات دیگر مدرسه قم، اهل بیت علم به زمان ظهور را از خود نفی کرده و آن را به خداوند واگذار کرده‌اند (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۶۸) و زمان ظهور به زمان قیامت تشبیه شده است. در روایتی امام رضا علیه السلام فرمود: «مثل او مثل قیامت است که جز او (خداوند)، آن را به موقع خود آشکار نمی‌کند در آسمان‌ها و زمین سنگین است و جز ناگهان به شما در نمی‌آید» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۳۷۲)؛ بنابراین همانطور که زمان قیامت نامعلوم است تعیین زمان ظهور ناممکن است.

البته در برخی روایات به زمان‌هایی که دلالت بر گشایش شیعیان دارد اشاره شده است که ارتباطی با ظهور و فرج امام مهدی ندارد. حمیری در قرب الاسناد روایتی از امام رضا علیه السلام نقل کرده است که امام در آن روایت فرج و گشایش شیعیان را از سال ۱۹۵ تا سال ۱۹۸ دانسته است (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۳۷۲)، برخی از محدثان در تفسیر این روایت به اختلافات داخلی بنی عباس اشاره دارند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۱۸۴).

اما در برخی دیگر روایات به سال ظهور اشاره می‌شود، ابو حمزه ثمالی گوید شنیدم امام باقر علیه السلام فرمود: «ای ثابت همانا خدای تبارک و تعالی این امر را در (سال) هفتاد وقت گذاشت، چون حسین علیه السلام کشته شد، خشم خدای تعالی بر اهل زمین سخت گشت، آن را تا (سال) صد و چهل به تأخیر انداخت. سپس که ما به شما خبر دادیم، آن خبر را فاش کردید، بعد از آن خدا برای آن وقتی نزد ما قرار نداد. خدا هر چه را خواهد محو کند و ثابت گذارد و اصل کتاب نزد اوست (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۶۸). به نظر می‌رسد این روایت به آموزه بدا اشاره دارد.

۵-۶. استقامت

یکی دیگر از مولفه‌ها و وظایف شیعیان در برابر سختی‌ها و مشکلات عصر غیبت، پایداری و استقامت است. شیخ صدوق از امام صادق (ع) نقل کرده است: «زمانی بر مردم آید که امامشان غیبت کند و خوشا بر کسانی که در آن زمان بر امر ما ثابت بمانند» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۳۰)، در برخی دیگر روایات، با همان مضمون روایت مذکور به لزوم رعایت تقوای الهی و تمسک به اعتقادات شیعی در آن دوران تأکید شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۳۵)، در پاره‌ای دیگر از روایات به ویژگی (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۰۴) و ثواب استقامت شیعیان (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۲۳) تأکید شده است.

علاوه بر موارد پیش گفته در برخی روایات به لزوم تولی و تبری در دوران غیبت (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۳۴۸) اقرار به حتمی بودن قیام قائم (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۱۷) و تقیه اشاره دارند. در روایات اهل بیت با بیان مسئله تقیه، استمرار آن را تا دوران قیام امام مهدی لازم دانسته‌اند. در این باره در کلامی از امام رضا (ع) آمده است: «پس هر کس تقیه را ترک کند قبل از خروج قائم ما، از ما اهل بیت نیست» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۳۷۱)، در روایت دیگری بر شدت این امر در دوران نزدیکی ظهور تأکید شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۲۰).

۸. ادعیه مهدوی

جایگاه ادعیه در متون دینی شیعه از اهمیت والایی برخوردار است. در بین قمی‌ها تنها به چند گزاره مختصر در قالب دعا اشاره شده است. در روایتی زراهر از دوران امام عصر دستوری می‌طلبد که حضرت به او می‌فرماید، ای زراهر اگر به آن زمان رسیدی، این دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ صَلَّيْتُ عَنْ دِينِي»، بار خدایا خودت را به من بشناسان زیرا تو اگر خود را به من شناسانی، من رسولت را نشناسم، بار خدایا رسول خود را به من بشناسان، زیرا اگر

تو رسول خود را به من نشاناسانی حجت تو را نشاناسم، بار خدایا حجت خود را به من بشناسان زیرا اگر تو حجت خود را به من نشاناسانی از دینم به در شوم و گمراه گردم» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۳۳۷).

در این روایت به معرفت و شناخت حجت الهی در دوران غیبت سفارش شده است که مصداق آن در آن دوران امام مهدی علیه السلام است.

از دیگر ادعیه مذکور در بین مدرسه قم دعای غریق است. این دعا در دوران نبود حجت الهی سفارش شده است. عبد الله بن سنان گوید: من و پدرم بر امام صادق علیه السلام وارد شدیم حضرت فرمود: «حال شما چگونه باشد آنگاه که به حالی درآید که امام هدایت را نبینید و نشانه هدایت رؤیت نشود و هیچ کس نجات نیابد مگر آنکه دعای غریق را بخواند» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۳۴۸)، دعای غریق همان: «یا الله یا رَحْمَنُ یا رَحیمُ یا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ» است.

در برخی دیگر از ادعیه، مدعو از خداوند درخواست حضور در دوران ظهور داشته، تا در کنار امام مهدی علیه السلام انتقام خون امام حسین علیه السلام گرفته شود. این نوع ادعیه در زیارات و اعمال مرتبط با ایام سوگواری امام حسین علیه السلام مطرح شده است. به عنوان نمونه در فقره‌ای از زیارت عاشورا آمده است: «وَيُزُقْنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ مَنصُورٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۱۷۷) یا در دعایی دیگر آمده است: «عَظَّمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ علیه السلام وَ جَعَلَنَا وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ، خداوند متعال اجرها و ثواب‌های عزادار بودن ما را برای امام حسین علیه السلام زیاد گردانده و ما و شما را در رکاب ولی آن حضرت، حضرت امام مهدی از طلب کنندگان خون آن جناب قرار دهد» (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ص ۱۷۷).

در برخی دیگر روایات، حضرت برای ظهور خود دعا کرده‌اند، مانند روایت عبد الله بن جعفر حمیری که از محمد بن عثمان عمری پرسیدم: آیا صاحب الأمر را دیدی؟ گفت: آری و آخرین دیدار نزد بیت الله الحرام بود و می‌گفت: «اللَّهُمَّ أَنْجِرْ لِي مَا وَعَدْتَنِي بار الها! آنچه به من وعده فرموده‌ای برآور» (صدوق، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۴۴۰).

نتیجه گیری

مدرسه حدیثی قم به عنوان یکی از پرآوازه ترین مدارس مکتب امامیه، از دوران حضور ائمه تا ابتدای دوران غیبت کبرا در عرصه جمع آوری میراث حدیثی شیعه، نقش فعال ایفا کرد. تلاش محدثان آن دوره که بیشترین میراث خود را از مدرسه رو به افول کوفه در میانه قرن سوم گرفته بودند باعث شد روایات اهل بیت به شکل مکتوب جمع آوری شود. در بین این میراث، روایات مهدویت در کنار دیگر روایات توسط قمی ها ثبت گردید که بین آنها تبدیل به یک گفتمان شد.

در مدرسه قم، امام مهدی به عنوان امام دوازدهم از تبار خاندان نبوت، از کنیزی با نام نرگس یا صیقل به دنیا آمده است. اسم او مانند اسم پیامبر خدا با کنیه ابوالقاسم و ابو جعفر به همراه القاب متعددی مانند قائم، مهدی و صاحب هذا الامر شناخته می شود. ایشان دارای مقامات متعددی است از جمله آنکه اشرف مخلوقات خداوند است که شباهت های متعددی به پیامبران الهی دارد و در دوران ظهور میراث برخی از انبیای الهی را به همراه خواهد داشت. برای او غیبتی است که در دوران ابتدای اسلام این مسئله توسط پیامبر اسلام و امامان بعدی گزارش شده است. با شروع دوران غیبت و عدم حضور شخصیت ایشان در میان مردم، با چالش هایی روبرو می شود که مهمترین آن همان پذیرش مسئله غیبت است. در پی این مسئله شیعیان مورد آزمایش قرار می گیرند. با این وصف برای جامعه شیعی وظایفی بیان شده است مهمترین آن شناخت امام خود، استقامت، پیروی از اهل بیت و عدم تعیین وقت برای ظهور ایشان است.

فهرست منابع

- ابن فارس، أحمد بن فارس. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة (مصحح: هارون، عبد السلام محمد). قم: مكتب الاعلام الاسلامي.
- ابن قولويه، جعفر بن محمد. (۱۳۵۶). كامل الزيارات (محقق: امینی، عبد الحسين، (چاپ اول). نجف اشرف: دار المرتضوية.
- انوری، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.
- برقی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱). المحاسن (محقق: محدث، جلال الدین، چاپ دوم). قم: دار الكتب الإسلامية
- جباری، محمد رضا. (۱۳۸۴). مكتب حديثي قم. قم: انتشارات زائر.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق) وسائل الشیعه (چاپ اول) قم: مؤسسة آل البيت (ع).
حمیری، عبد الله بن جعفری. (۱۴۱۳ق). قرب الاسناد (مصحح: مؤسسة آل البيت (ع)، چاپ اول). قم: مؤسسة آل البيت (ع).
- خصیبي، حسين بن حمدان. (۱۳۷۷). الهدایة الكبرى (چاپ اول). بیروت: مؤسسة البلاغ.
- سبحانی، محمد تقی. (۱۳۹۵). جستارهایی در مدرسه کلامی قم (چاپ دوم). قم: موسسه علمی - فرهنگی دار الحديث
- صدر، احمد و دیگران. (). دایرة المعارف تشیع. مدخل انتظار.
- صدوق، محمد بن علی. (۱۳۸۵). علل الشرايع. قم: کتاب فروشی داوری.
- صدوق، محمد بن علی. (۱۳۷۶). الأمالي (چاپ ششم) تهران: کتابچی.
- صدوق، محمد بن علی. (۱۳۹۵). کمال الدین و تمام النعمة (محقق: علی اکبر غفاری، چاپ دوم). تهران: انتشارات اسلامیه.

صفار، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ق). بصائر الدرجات (محقق: کوچه باغی، محسن بن عباسعلی، چاپ دوم). قم: مکتبه آیت الله مرعشی.

طباطبایی، محمد کاظم. (۱۳۸۹). کتاب تاریخ حدیث شیعه (چاپ دوم). تهران: سمت.

طوسی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۱ق). الغیبة (محقق: تهرانی، عباد الله و ناصح، چاپ اول). قم: دار المعارف الإسلامية.

فراهدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۵ق). العین. قم: نشر هجرت.

قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق). تفسیر قمی (مصحح: موسوی جزائری، طیب). قم: دارالکتب.

کامیاب مسلم. (۱۴۰۰). رساله «احادیث مهدوی مدرسه حدیثی قم قبل از روزگار صدوق (آموزه، شاخصه‌ها، سبک و تحلیل محتوا)»، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

کامیاب و طباطبایی. (۱۴۰۱). تحلیل محتوایی راویان روایات مدرسه حدیثی قم تا قبل از دوران صدوق، فصلنامه علمی - پژوهشی مشرق موعود (۶۳) صص ۵۹-۸۸.

کامیاب، مسلم. (۱۴۰۳). بررسی و تحلیل محتوایی روایات مهدوی قرب الاسناد حمیری. فصلنامه انتظار موعود (۸۴)، صص ۷۵-۱۰۰.

کامیاب، مسلم. (۱۴۰۲). تحلیل شاخصه‌های مدرسه حدیثی قم در نقل روایات مهدوی. فصلنامه جامعه مهدوی (۸)، صص ۸۱-۱۰۹.

کامیاب، مسلم. (۱۴۰۱). بررسی و تحلیل رویکرد احمد بن محمد بن خالد برقی به روایات مهدوی با تأکید بر کتاب محاسن برقی. فصلنامه جامعه مهدوی (۶)، صص ۱۴۰-۱۶۱.

کامیاب، مسلم. (۱۴۴۵ق). دراسة منهج علی بن ابراهیم القمی حول الروایات المهدویة فی تفسیر القمی، وعدالام فی القرآن و الحدیث (۱)، صص ۱۱۳-۱۳۸.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی). تهران: اسلامیه.

محمّدی ری شهری، محمد. (۱۳۹۳). دانشنامه امام مهدی علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ (چاپ اول). قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر.

نعمانی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۷). الغیبة (محقق: علی اکبر غفاری) تهران: مکتبة الصدق.

نویختی، حسین بن موسی. (۱۳۶۸). فرق الشيعة (ترجمه: محمدجواد مشکور). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

References

- Anvari, H. (2002). *The Great Sokhan Dictionary* (Vol. 1). Tehran: Sokhan. [In Persian]
- Barqi, A. (1992). *Al-Mahasin* (Vol. 1) (J. Muhaddith, Ed., 2nd ed.). Qom: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic]
- Farahidi, K. (1984). *Al-'Ayn* (Vol. 2). Qom: Hijrat Publications. [In Arabic]
- Hamiri, A. (1992). *Qurb al-Isnad* (Al al-Bayt Institute, Ed., 1st ed.). Qom: Al al-Bayt Institute. [In Arabic]
- Hor Ameli, M. (1988). *Wasa'il al-Shi'a* (1st ed.). Qom: Al al-Bayt Institute. [In Arabic]
- Ibn Faris, A. (1983). *Dictionary of linguistic measures* (Vols. 5 & 6) (A. S. M. Harun, Ed.). Qom: Islamic Propagation Office. [In Arabic]
- Ibn Qulawayh, J. (1937). *Kamil al-Ziyarat* (A. Amini, Ed., 1st ed.). Najaf: Dar al-Murtadawiyyah. [In Arabic]
- Jabbari, M. R. (2005). *The Hadith School of Qom*. Qom: Zaer Publications. [In Persian]
- Kamyab, M. (2021). *The Hadith School of Qom Before the Time of Saduq: Doctrines, Characteristics, Style, and Content Analysis* (Thesis). Qom Seminary Management Center. [In Persian]
- Kamyab, M. (2022). Ahmad ibn Muhammad ibn Khalid Barqi's Approach to Mahdavi Narrations with an Emphasis on Al-Mahasin. *Mahdavi Society*, (6), pp. 140–161. [In Persian]
- Kamyab, M. (2022). Analysis of the Characteristics of the Hadith School of Qom in Transmitting Mahdavi Narrations. *Mahdavi Society*, (8), pp. 81–109. [In Persian]
- Kamyab, M. (2023). Content Analysis of Mahdavi Narrations in Qurb al-Isnad by Hamiri. *Intizar-e Moudud Quarterly*, (84), pp. 75–100. [In Persian]
- Kamyab, M. (2023). The Methodology of Ali ibn Ibrahim Qummi Regarding Mahdavi Narrations in Tafsir Qummi. *Wa'd al-Umam fi al-Qur'an wa al-Hadith*, (1), pp. 113–138. [In Arabic]

- Kamyab, M., & Tabatabai, M. (2022). A Content Analysis of the Narrators of the Hadith School of Qom Before the Time of Saduq. *Mashriq-e Moudud*, (63), pp. 59–88. [In Persian]
- Khasibi, H. (1998). *Al-Hidaya al-Kubra* (1st ed.). Beirut: Al-Balagh Institute. [In Arabic]
- Kulayni, M. (1987). *Al-Kafi* (Vol. 1) (A. A. Ghafari & M. Akhundi, Eds.). Tehran: Islamiyya. [In Arabic]
- Majlesi, M. (1982). *Bihar al-Anwar*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Muhammadi Reyshahri, M. (2014). *The Encyclopedia of Imam Mahdi Based on the Qur'an, Hadith, and History* (Vols. 2 & 4, 1st ed.). Qom: Dar al-Hadith Scientific-Cultural Institute, Publishing & Printing Organization. [In Persian]
- Nobakhti, H. (1989). *The Shi'a Sects* (M. J. Mashkur, Trans.). Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Persian]
- Nu'mani, M. (2018). *Al-Ghayba* (A. A. Ghafari, Ed.). Tehran: Maktabat al-Sidq. [In Arabic]
- Qummi, A. (1983). *Tafsir Qummi* (Vol. 1) (T. Mousavi Jazairi, Ed.). Qom: Dar al-Kutub. [In Arabic]
- Sadr, A., et al. (2000). *Encyclopedia of Shi'ism* (Vol. 1), Entry: *Intizar*. Tehran: Nafisi. [In Persian]
- Saduq, M. (1997). *Al-Amali* (6th ed.). Tehran: Kitabchi. [In Arabic]
- Saduq, M. (2006). *'Ilal al-Shara'i'* (Vol. 1). Qom: Davari Bookstore. [In Arabic]
- Saduq, M. (2016). *Kamal al-Din wa Tamam al-Ni'ma* (Vols. 1 & 2) (A. A. Ghafari, Ed., 2nd ed.). Tehran: Islamiyya. [In Arabic]
- Safar, M. (1983). *Basa'ir al-Darajat* (Vol. 1) (M. Kouchebaghi, Ed., 2nd ed.). Qom: Ayatollah Mar'ashi Library. [In Arabic]
- Sobhani, M. T. (2016). *Essays on the Theological School of Qom* (2nd ed.). Qom: Dar al-Hadith Scientific and Cultural Institute. [In Persian]

Tabatabai, M. K. (2010). *The History of Shi'a Hadith* (2nd ed.). Tehran: SAMT. [In Persian]

Tusi, M. (1991). *Al-Ghayba* (A. Tehrani & Nasih, Eds., 1st ed.). Qom: Dar al-Ma'arif al-Islamiyyah. [In Arabic]